معنای «زن» و تاریخ ما

شماره پرسش: ۳۷۷۳۲

تاریخ ارسال پرسش: ۱۸:۰۳:۰۶ ۱۴۰۳/۳/۲۳

متن پرسش

با سلام محضر استاد: امیدوارم خوب باشید. با دقت شخصیت های انقلابی و مذهبی را بررسی کردم ولی هیچ کجا ندیدم پرورش شخصیتی را که در مورد «برخورد شکل گرفته با جنس مخالف» ارائه ای داشته باشند. تعلیم های دینی ما هم در این مورد محدود و در دایره ازدواج می‌باشد و باز سبک زندگی نیستند (شما نتوانستید نوجوان ها را با محدودیت ها از برقراری ارتباط با جنس مخالف منصرف کنید). از طرفی خانواده های مذهبیان در این سالها خشک، بدون ارتباط و بی معنایی شدیدی دارند. اگر اسلام و انقلاب حرفی ندارد منتظر چیزی نمی‌توان ماند. افراد توسعه یافته که به دین اعتنایی ندارند خیلی خوب از پس این ارتباط در بشر کنونی بر آمدند زیرا وقت خود را صرف آن کردند. آیا از انقلاب و دین در این مورد دفاعی دارید؟ اگر دارید نه صرفا با کلمات بلکه با پختگی و شخصیتی، آن‌را ارائه دهید. پیشاپیش از پاسخ شما متشکرم و از انکار واقعیت راه به جایی نخواهد رفت. چالشی برای شما مطرح نکردم که از ورود به آن امتناع ورزید و دیالوگم رجوعی به انسانیت می‌باشد. چه بسا در ریزه کاری های زن زندگی آزادی یا فراتر از آن! زیستن در جهان کنونی؛ چنین پیش آمدی اتفاق افتاده.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده نیز به این موضوع فکرها کرده‌ام و به هر دو طرف موضوع که می‌فرمایید در حد خود اندیشیده‌ام، به طرف راهکارهای جهان مدرن که نهایتاً به اضمحلال خانواده به عنوان معنایی بس اصیل منجر می‌شود و آقای دکتر صادق طباطبایی در کتاب «نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی» متذکر آن شدند و به راهکارهای جهان سنتی خودمان که مطابق زمانه عمل نمی‌کنند و نوعی مردسالاری را حاکم کرده‌اند و با توجه به این نکات کتاب «زن؛ آن‌گونه که باید باشد» و جزوات «هویت قدسی زن و حضور در جهان گسترده امروز» و «زنِ دین‌دار در نسبتی جدید با عالَم و آدم» و «زن و حضور تمدنی» و «حضور نرم و نقش مؤثر زن در این تاریخ» نوشته شد و باز هم باید نوشت و باز هم باید فکر کرد. موفق باشید